



## بررسی میزان سطح تحصیلات در کاهش آمار زندانیان شهر یاسوج

حسن حبیبی منش\*، زهره صناعی نژاد<sup>۱</sup>، مهدی نیکبخت<sup>۲</sup>، ابراهیم دانایی<sup>۳</sup>

### چکیده

بنا به تحقیقات گذشته افزایش سن و سطح تحصیلات زندانیان با ارتکاب به جرایم، به ویژه سرقت که بیشترین فراوانی را در میان جرایم به خود اختصاص داده، رابطه معکوس داشت و فقط در مورد کلاهبرداری رابطه مستقیم مشاهده شد. میزان جرم و ارتکاب مجدد آن با سطح تحصیلات و درآمد رابطه‌ای معکوس و با شهرنشینی و متارکه رابطه‌ای مستقیم داشت. ضرب و جرح و تصادفات رانندگی با شهرنشینی رابطه معکوس و کلاهبرداری و قاچاق مواد مخدر و همچنین سابقه تکرار آنها با شهرنشینی رابطه مستقیم دارد. در این پژوهش به بررسی میزان سطح تحصیلات در کاهش آمار زندانیان شهر یاسوج پرداخته شده است. هدف اساسی این پژوهش، بررسی چگونگی پیوند این دو متغیر و مطالعه تأثیر میزان تحصیلات در کاهش آسیب‌های اجتماعی است که فرضیه اصلی می‌باشد. این پژوهش از نوع اجتماعی بوده و نتایج این تحقیق مشخص می‌کند که وقتی ما جامعه آماری محدودی را بررسی می‌کنیم، اغلب متهمانی که در دادگاه‌ها به اتهام جرائم مختلف بالأخص جرائم مربوط به خشونت محاکمه می‌شوند از دهک‌های پایین جامعه و کم‌سواد هستند. چنانچه بتوانیم با جلب اعتماد و پاسخ‌های صادقانه به بررسی این موضوع در بین اقشار مختلف بپردازیم می‌توانیم به نتیجه مطلوبی دست یابیم اما اجرای موفقیت‌آمیز این قوانین، نیازمند فرهنگ‌سازی مناسب در جامعه می‌باشد.

**کلید واژه‌ها:** میزان تحصیلات، آسیب‌های اجتماعی، زندانیان، یاسوج

<sup>۱</sup> لیسانس، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد یاسوج، [hassanhabibimanes.72@gmail.com](mailto:hassanhabibimanes.72@gmail.com)

<sup>۲</sup> سطح دو (معادل لیسانس)، (حوزه عمومی ویژه)، دانشگاه حوزه ی علمی حضرت معصومه سی سخت، [Zohresanaee7@gmail.com](mailto:Zohresanaee7@gmail.com)

<sup>۳</sup> لیسانس، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد یاسوج، [n29406100@gmail.com](mailto:n29406100@gmail.com)

<sup>۴</sup> لیسانس، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد یاسوج، [ibrahim.danai1401@gmail.com](mailto:ibrahim.danai1401@gmail.com)

## ۱\_ مقدمه

بر اساس برخی بررسی‌های انجام شده ۹۰ درصد معتادان در جامعه را دانش‌آموزان ترک تحصیل و یا افراد بی‌سواد تشکیل داده‌اند. براساس این آمارها ۲۷ درصد دانش‌آموزانی که کم‌درآمد هستند ترک تحصیل کرده و موجب به وجود آمدن مشکلات و آسیب‌های اجتماعی در جامعه شده‌اند پس می‌توان نتیجه گرفت انسداد مبادی بی‌سوادی منجر به رفع بسیاری از این مشکلات و آسیب‌ها خواهد شد.

به عبارت دیگر بی‌سوادی موجب بروز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی می‌شود. به طوری که تحقیقات نشان می‌دهد اکثر بزهکاران، سطح سواد مناسبی ندارند. از آنجاکه بی‌سوادی یا کم‌سوادی به کاهش اعتماد به نفس می‌انجامد، همچنین نداشتن مهارت برای گذراندن زندگی از پیامدهای آن است؛ می‌توان مدعی رابطه‌ی مستقیم میان سواد و کاهش بزهکاری شد. آمار کم‌سوادی در بین زنان بزهکار و معتاد زیاد است به طوری که حدود ۸۰ درصد آنان دارای تحصیلات زیر دیپلم هستند، افزایش آگاهی‌های تحصیلی و اجتماعی همراه با افزایش مهارت‌های زندگی و پوشش‌های حمایتی می‌تواند از بزهکاری زنان پیشگیری یا از تکرار جرم آنان جلوگیری کند بی‌سوادی موجب تنزل اعتماد به نفس افراد می‌شود و همین موضوع زمینه بروز جرائم مختلف بخصوص اعتیاد را فراهم می‌کند. (شارع پور، ۱۳۹۰)

آموزش ممکن است فعالیت‌های مجرمانه را از طریق چندین شیوه تحت تأثیر قرار دهد اول تحصیلات بالا، باعث افزایش سطح درآمد و همچنین افزایش هزینه فرصت برای رفتارهای مجرمانه می‌شود آموزش ممکن است اولویت‌های شخصی افراد را برای تصمیم به انجام جرم تحت تأثیر قرار دهد دوم تأثیر آموزش از طریق جامعه‌پذیر کردن دانش‌آموزان و دانشجویان مؤثرتر از تأثیر بازار می‌باشد سوم این که به طور مستقل آموزش و دسترسی به مدرسه به تنهایی، فرصت موجود برای مشارکت در رفتارهای مجرمانه را کاهش می‌دهد.

آموزش و پرورش هر جامعه‌ای مهم‌ترین بخش آن جامعه را تشکیل می‌دهد به طوری که محققان اذعان دارند که نقش مدرسه در تربیت کودک بسیار مهم‌تر از نقش خانواده است. هدف اصلی نظام آموزشی آموزش نقش شهروند خوب است و مدرسه مهم‌ترین عامل جامعه‌پذیری یک دانش‌آموز است مدرسه برای کودک یک محیط جدید روابط شخصی و اجتماعی جدید و اطلاعات فزاینده‌ای فراهم کند. در مقام مقایسه مدرسه با خانواده می‌توان گفت که بخش عمده‌ای از آنچه کودک در مدرسه یاد می‌گیرد جامعه‌پذیری مستقیم است در حالی که تأثیر خانواده عمدتاً غیرمستقیم است این کاملاً پذیرفته شده است که آموزش و پرورش رسمی یکی از عوامل اصلی جامعه‌پذیری است که منحصراً در اختیار دولت قرار دارد و عامل اصلی تعلیم و تربیت مدنی است. (آقاجانی، ۱۳۸۱)

تئوری‌های اقتصادی بیان می‌کنند که بین دستیابی به آموزش و انواع جرم‌ها رابطه منفی وجود دارد. با افزایش میزان تحصیلات احتمال این که افراد رو به سوی کارهای قانونی بیاورند بسیار زیاد می‌باشد همچنین بر طبق این دیدگاه آموزش و پرورش به جامعه‌پذیر کردن جوانان و دانش‌آموزان اقدام می‌کند که این موضوع نیز باعث می‌شود که جوانان کم‌تر به کارهای غیرقانونی اقدام کنند. تحقیقات همچنین نشان می‌دهد جوانانی که دارای تحصیلات کمی هستند احتمال روی آوردن به کارهای غیرقانونی در آن‌ها در مقایسه با جوانان تحصیل کرده زیاد می‌باشد شواهد تجربی نشان می‌دهد که با افزایش سطح تحصیلات به طور عمده‌ای شدت خشونت و جرم‌های اجتماعی کاهش می‌یابد. (محبی، ۱۳۸۰)

بر همین اساس هدف کلی پژوهش، بررسی تأثیر میزان تحصیلات بر جرائم و بزهکاری در زندان‌های استان یاسوج می‌باشد.

## ۲\_ روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر، روش توصیفی - پیمایشی از نوع پس رویدادی است.

## ۳\_ مبانی نظری

جرم پدیده‌ای چند وجهی است که همواره مورد نظر جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، حقوقدانان و اقتصاددانان بوده است. بدون شک، یکی از جنبه‌های وقوع جرم عوامل اقتصادی، نظیر: تورم، بیکاری، فقر، نحوه توزیع درآمد و ... است. مطالعات خارجی و داخلی تجربی زیادی در مورد رابطه عوامل اقتصادی و جرایم انجام شده است که بیشتر آن‌ها به رابطه مثبت بین این دو اشاره دارند: ارلیچ (۱۹۷۳)، چابمن (۱۹۷۶)، ژاکوب (۱۹۸۱)، وانگ (۱۹۹۵)، ژانگ (۱۹۹۷)، ویت و همکاران (۱۹۹۸)، توشیما (۲۰۰۰)، ملونی (۲۰۰۰)، رافائل و ایمر (۲۰۰۱)، سید یاسرگیلانی و همکاران (۲۰۰۹)، تنگ (۲۰۰۹)، چولی فیلیپس و همکاران (۲۰۱۱)، فیصل سلطان (۲۰۱۱)، صادقی و همکاران (۱۳۸۴)، حسن‌نژاد (۱۳۸۴)، کشاورز و همکاران (۱۳۸۹)، فطرس و همکاران (۱۳۹۰)، عیسی‌زاده و همکاران (۱۳۹۱). به‌طور کلی، می‌توان ادعان داشت، اقتصاددانانی که جرم و جنایت را بررسی کرده‌اند، از منظر تحلیل منفعت- هزینه یا بیشینه سازی مطلوبیت در کنار محدودیت‌های مختلف پرداخته‌اند. در حالی مکتب سوسیالیسم برای نقش عوامل اقتصادی در وقوع جرم نهایت اهمیت را قائل است و معتقد است ریشه کلیه جرایم را باید در عوامل اقتصادی جستجو کرد، مکتب تحقیقی اعتقاد دارد وقوع جرم نتیجه انحصاری یکی از عوامل انسانی، اجتماعی یا اقلیمی نیست. درست است که هنگام ارتکاب هر بزه خاص، یکی از عوامل بر عوامل دیگر فزونی و برتری دارد؛ ولی امتزاج و ترکیب هر سه عامل برای ارتکاب بزه ضروری است.

در قالب دیدگاه جامعه شناختی، ارتباط بین متغیرهای مختلف رفتار جنایی، مانند: سن، نژاد، جنس و وضعیت اجتماعی- اقتصادی اهمیت دارد و نیز ارتباطات بین فردی و سطح فرهنگ را که رابطه معناداری با انواع معینی از جرم دارد، نشان می‌دهد. دیدگاه جامعه‌شناسی، همچنین به عواملی که در محیط بر رفتار جنایی مؤثرند، مانند: زمان، مکان، کیفیت وقوع جرم و نوع اسلحه به کار رفته نیز تأکید می‌کند (ستوده و همکاران، ۱۳۷۶).

دیدگاه روان‌شناختی، بر تمامی صفات روانی و ویژگی‌های شناختی افراد که باعث می‌شود روان‌شناسان آن را به عنوان عامل مهمی در شناخت و کنترل رفتار در نظر بگیرند، اشاره می‌کند. روان‌شناسان در تحلیل وقوع جرم، از مفهومی به نام اختلال شخصیت ضد اجتماع کمک می‌گیرند. اصطلاح اختلال شخصیت ضد اجتماع توسط روان‌پزشکان و اغلب روان‌شناسان برای مجرمانی به کار برده می‌شود که در هم‌نوایی با هنجارهای اجتماع شکست خورده‌اند و به قانون احترام نمی‌گذارند و رفتارهایی از خود نشان می‌دهند که به دستگیر شدن آن‌ها منجر می‌شود (گسن ریموند، ۱۹۸۸، ترجمه: کی‌نیا، ۱۳۷۴).

در قالب دیدگاه ژنتیکی و زیست شناختی، تعدادی از مردم به لحاظ آناتومی ویژگی‌هایی دارند که در بین مجرمان مشترک است. این ویژگی‌های جسمانی می‌تواند چنین باشد: جمجمه غیرطبیعی، بینی پهن، گوش‌های بزرگ، لب‌های کلفت و گوشت‌آلود، آرواره بزرگ، گونه‌های استخوانی و برجسته و ... (طریقی شکرالله، ۱۳۵۵)

دیدگاه اقتصادی، رویکرد اقتصاددانان به جرم و جنایت از دریچه منفعت - هزینه است؛ به همین دلیل، انسان هنگامی مرتکب جرم می‌شود که هزینه آن از منافعش کمتر باشد. همچنین، عوامل متعدد دیگری، نظیر: فقر، بیکاری، نابرابری در توزیع درآمد، صنعتی‌شدن شهرها و پدیده شهرنشینی بر وقوع جرم مؤثر است و تأثیرات آن نیز اندازه‌گیری شده است؛ حتی اقتصاددانان درجه تأثیرگذاری عوامل اجتماعی دیگری نظیر آموزش، مجازات‌های پیشگیری کننده و ... را بر وقوع جرم اندازه‌گیری کرده‌اند (سیرافزار و همکاران، ۱۳۸۸).

بدون تردید، فقر، نابرابری‌های اقتصادی، بیکاری و تورم در زمره مهم‌ترین معضلات جامعه بشری است که از جایگاه ویژه‌ای بین سایر مسائل اقتصادی برخوردار است. مشکلات فقر، بیکاری و تورم صرفاً منحصر به پیامدهای خود آن‌ها نیست؛ بلکه

مشکلات این عوامل اقتصادی زمانی شدت می‌یابد که آن‌ها بستر ساز انحرافات می‌گردند و در واقع، مکانیزم تأثیرگذاری اقتصاد بر اجتماع عموماً از کانال فقر، بیکاری و تورم نشأت می‌گیرد.

بونفر (۱۹۱۶) بیان می‌کند که عوامل اقتصادی، عامل اساسی برای تمام ساختارهای اجتماعی بوده و تأثیرات قابل توجهی نیز بر فعالیت‌های فردی از جمله جرم دارند؛ به خصوص اگر این تعامل اقتصادی سطح فقر، نابرابری درآمدی و هزینه‌های فرصت اقتصادی باشند. وقوع جرم در جامعه موجب اتلاف منابع بخش خصوصی و عمومی در مبارزه و کنترل با جرم می‌شود و با تهدید امنیت اقتصادی و اجتماعی، انگیزه‌های تولید و سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد و در نهایت به بیکاری، تورم و فقر می‌انجامد. در این ارتباط، فلیشر (۱۹۶۳) به بررسی اهمیت ارتباط میان جرم و شرایط بازار کار از دیدگاه سیاست عمومی پرداخته و علاوه بر آن، بر سایر کارکردهای بازار کار مانند تعیین نرخ دستمزد و نحوه توزیع آن توجه کرده است. وی با بررسی رابطه میان جرم و بیکاری نتیجه می‌گیرد که ارتباط مستقیمی میان نرخ جرم با بیکاری وجود دارد؛ به طوری که با افزایش بیکاری در بین جوانان بالای ۱۶ سال، نرخ جرم در جامعه افزایش می‌یابد. علاوه بر این، نقش درآمد را در ارتکاب به جرم افراد بررسی کرد و به این نتیجه رسید که سطح درآمدی پایین، احتمال ارتکاب جرم را افزایش می‌دهد؛ به این علت که هزینه احتمال دستگیری برای افرادی که درآمد اندکی دارند، بسیار پایین است. به عبارتی، احساس این افراد این است که نه تنها دریافتی‌های قانونی‌شان پایین است؛ بلکه هزینه فرصت زمان صرف شده برای فعالیت‌های مجرمانه یا بودن در زندان نیز پایین است.

این مطالعات توسط ادوین چادویک (۱۸۲۹)، گری بکر (۱۹۶۸) و ارلیچ (۱۹۷۳) ادامه پیدا کرد. در این میان، ابتکار دستیابی به تجزیه و تحلیل اقتصاد جرم و جنایت از آن گری بکر است. بکر نخستین اقتصاددانی بود که پدیده جرم را در دستگاه هزینه - فایده فرموله نمود. او این گونه عنوان نمود که فرد مجرم مطلوبیت انتظاری حاصل از ارتکاب جرم را بیش از هزینه‌های انتظاری ارتکاب جرم محاسبه نموده و در نهایت، به این نتیجه می‌رسد که اقدام به یک عمل خلاف قانون خالص ارزش مطلوبیت انتظاری وی را مثبت نمود و به سود این فرد است که نقض قانون و هنجارشکنی را انجام دهد. منظور از هزینه فرصت؛ یعنی تمام درآمدهایی که یک فرد با توجه به توانایی‌ها، استعدادها و آموزش‌هایی که دیده است، از طریق قانونی و مجاز کسب می‌نماید. در جوامعی که بیکاری گسترده؛ به ویژه در سنین جوانی و نوجوانی وجود دارد و به علت توزیع نامناسب ثروت، درآمد و رانت بین درآمدهای قانونی و غیرقانونی شکاف عظیمی به وجود می‌آید، انگیزه‌ای برای انجام فعالیت‌های غیرقانونی به وجود می‌آید که بسته به نوع و شدت مجازات‌ها این انگیزه تضعیف می‌شود؛ اما مادامی که این مجازات‌ها (در ادبیات اقتصادی مجازات یعنی هزینه) کمتر از درآمدهای غیرقانونی یا فعالیت‌های مجرمانه باشد، اشخاص به سمت این فعالیت‌ها جذب می‌گردند.

ارلیچ از جمله افرادی بود که مطالعات بسیار وسیعی را انجام داد. می‌توان بیان داشت تأثیرات مطالعات او در این حوزه به لحاظ گستردگی از تمام اقتصاددانان بیشتر بوده است. او در سال ۱۹۷۳ با وارد کردن درآمد و نحوه توزیع آن به مدل بکر، تحلیل‌های جرم را بازتر کرد. همچنین، وی در سال ۱۹۸۵ ارتباط معنی‌داری بین سطح آموزش (تحصیلات) و مجرمان در ایالات متحده آمریکا یافت. وی در مطالعات دیگر خود در سال‌های ۱۹۸۱ و ۱۹۹۹ به مطالعه در خصوص تأثیرات مجازات‌ها و تمام عوامل بازدارندگی (با رویکردی اقتصادی) در کاهش پدیده جرم و جنایت پرداخت.

آلن (۱۹۹۶) معتقد است، با تأکیدی که در تئوری جرم بر بیکاری شده است، اثر تورم بر وقوع فعالیت‌های جنایی، مورد غفلت واقع شده است. طبق نظر برنر (۱۹۷۶) تورم موجب کاهش قدرت خریده شده و هزینه‌های زندگی را افزایش می‌دهد. در نتیجه، از آن جایی که فرد قادر نخواهد بود در سطح استاندارد از زندگی باقی بماند، ممکن است مرتکب جرم شود؛ هر چند این پدیده به تدریج رخ می‌دهد.

لانگ و ویت (۱۹۸۱) معتقدند نرخ جرم بر اثر تورم، افزایش پیدا می‌کند؛ زیرا لحظات سخت موجب تحریک رفتارهای جنایی می‌شود؛ ضمن آن که تورم موجب کاهش ظرفیت‌های جامعه برای ایجاد موانع در برابر جرم می‌گردد. دوین و همکاران (۱۹۸۸) از سه عامل زیر به عنوان عواملی یاد می‌کنند که باعث ایجاد یک رابطه مثبت بین تورم و جرم می‌شوند: وقفه بین تعدیل‌های قیمت و دستمزد، تخریب اعتماد در نهادهای اجتماعی و کاسته شدن توان اقتصادی جوامع.

کلی در سال (۲۰۰۰) تحقیقات جون، مورفی و پیرس (۱۹۹۳) را مورد آزمون تجربی قرار می‌دهد و بیان می‌کند، بازدهی انتظاری جرم، زمانی که افراد با سطح زندگی پایین در کنار افراد دارای سطح زندگی بالا قرار می‌گیرند، افزایش می‌یابد. وی بیان می‌کند، افرادی که دارای فرصت‌های اندکی در مقایسه با جامعه هستند، برای رسیدن به اهداف خود به کارهای غیرقانونی دست می‌زنند.

توشیما (۲۰۰۰) به بررسی رابطه میان شاخص‌های اقتصادی و جرم در ۴۷ منطقه ژاپن می‌پردازد و به این نتیجه می‌رسد که میان نرخ‌های بیکاری، قتل و سرقت مسلحانه رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

مطالعه رافائل و ایم (۲۰۰۱) با استفاده از داده‌های تلفیقی برای ۵۰ ایالت آمریکا طی دوره ۱۹۷۱-۱۹۹۷، اثر بیکاری را بر هفت گروه از جرایم بررسی کرده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که بیکاری رابطه مثبت معنا داری با جرایم علیه اموال دارد؛ به طوری که یک درصد کاهش بیکاری موجب کاهش یک تا ۵ درصدی این نوع جرایم می‌شود. برای جرایم خشونت‌آمیز نتایج ترکیبی حاصل گردید؛ بدین صورت که بیکاری رابطه مثبت با سرقت همراه با خشونت و ضرب و جرح دارد؛ ولی با قتل عمد و تجاوز دارای رابطه منفی است.

امروقلو، ملو و رایت (۲۰۰۱) در مطالعه خود بیان می‌کنند اگر بخواهیم تأثیر بیکاری بر بروز پدیده جرم را بررسی کنیم، باید هرم سنی را در نظر بگیریم؛ زیرا آن گروه از بیکارانی دست به جرم و جنایت می‌زنند که در سنین جوانی و نوجوانی قرار دارند. فابیو سانچز (۲۰۰۲) در مطالعه خود به بررسی عوامل اقتصادی جرم در کشور کلمبیا می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که نابرابری‌های اقتصادی همواره به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل اقتصادی (بالقوه) در ارتکاب جرم؛ به خصوص جرایم علیه اموال محسوب می‌شود.

تلس (۲۰۰۴) نیز دریافت که اگر موجودی پولی که توسط یک کارگزار اقتصادی نگهداری می‌شود یا به عبارتی، منابع مالی که در خطر وقوع جرم قرار دارد، به اندازه‌ای باشد که بر مطلوبیت نهایی جرم اثر بگذارد، در این صورت نرخ تورم در وقوع جرم مؤثر خواهد بود. بالأخره با ثابت بودن دستمزدها، افزایش در نرخ تورم، قدرت خرید فرد را کاهش داده و هزینه زندگی افزایش می‌یابد و این خود می‌تواند فرد را به سمت فعالیت‌های غیر قانونی بکشاند.

سید یاسر محمود گیلانی و همکاران (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی رابطه بین بیکاری، فقر و تورم با جرم و جنایت، رابطه همگرایی و تجزیه و تحلیل در پاکستان» پرداختند. نتایج علیت گرنجر نشان می‌دهد که بیکاری، فقر و تورم باعث به وجود آمدن جرم و جنایت در پاکستان می‌شود. همچنین در هم‌انباشتگی جوهانسن حداکثر احتمال آزمون علیت گرنجر اعمال شده یک رابطه دراز مدت همراه با علیت بین متغیرها یافته شد. علیت گرنجر از روش تودا و یاماموتو تست شده است. نتایج به دست آمده از آزمون، مدارک و شواهدی را از وجود یک رابطه همگرایی میان جرم و جنایت، بیکاری، فقر و تورم دراز مدت در پاکستان ارائه می‌دهد.

چور فون تنگ (۲۰۰۹)، در مطالعه‌ای با عنوان رابطه میان نرخ جرم و جنایت با بیکاری و تورم در مالزی، به بررسی موضوع با استفاده از داده‌های سالانه میزان جرم و جنایت شاخص قیمت مصرف‌کننده و میزان نرخ بیکاری، در طی دوره زمانی ۲۰۰۶-۱۹۷۰ مطالعه پرداخت. نتایج این مطالعه، حاکی از اهمیت دو عوامل تورم و بیکاری بر انگیزه جرم و جنایت در مالزی است. این مطالعه نشان داد که نرخ بیکاری و تورم علیت گرنجر جرم و جنایت در مالزی است؛ اما هیچ مدرکی دال بر علیت معکوس وجود ندارد و همچنین، شواهد نشان داده است که قانونگذار یا دولت می‌تواند با کنترل نرخ تورم و بیکاری میزان

جرم و جنایت را در مالزی کاهش دهد. علاوه بر این، اقتصاد طرف عرضه ممکن است با یک سیاستگذاری درست هر دو نرخ تورم و بیکاری را به طور همزمان کاهش دهد و در نهایت، نرخ جرم و جنایت را در مالزی کاهش دهد.

تنگ و لین (۲۰۰۹) در مقاله‌ای با عنوان «شاخص فلاکت به عنوان یک عامل اثرگذار بر وقوع جرم و جنایت» در آمریکا پرداخته‌اند. برای وجود رابطه بلندمدت از آزمون حدود و برای انجام آزمون علیت از روش F چند رتبه‌ای استفاده شده است. این نتیجه حاصل شد که شاخص فلاکت به طور مثبت با نرخ جرم ارتباط دارد. به علاوه، اثر انگیزشی جرم بیشتر از اثر فرصتی جرم است و آزمون علیت نشان داد که شاخص فلاکت علت میزان تغییرات جرم و جنایت است.

جولی فیلیپس، کنت سی. لند (۲۰۱۱)، در مقاله‌ای با عنوان «ارتباط بین نوسان‌های نرخ بیکاری و جرم و جنایت: تجزیه و تحلیل در شهرستان، ایالتی و در سطح ملی» به بررسی ارتباط بین نوسان‌های نرخ بیکاری و جرم و جنایت در سطح شهرستان، ایالتی و ملی در ایالات متحده امریکا طی سال‌های ۲۰۰۵-۱۹۷۸ می‌پردازد. نتایج گویای سازگاری در خورتوجهی با توجه به همزمان بودن فرصت‌ها و اثرها در انگیزه بیکاری بر نرخ جرم و جنایت در سطح شهرستان، ایالتی و ملی برای انواع جنایت است.

آلتینداگ (۲۰۱۱) در مطالعه خود در کشورهای اروپایی نتیجه می‌گیرد اثر بیکاری بر پدیده جرم؛ به‌ویژه جرایم اموال به طور معنی‌داری مثبت است.

در حوزه اقتصاد ایران، مطالعاتی نظیر صادقی و همکاران (۱۳۸۴)، حسین‌نژاد (۱۳۸۴)، کشاورز و همکاران (۱۳۸۹)، فطرس و همکاران (۱۳۹۰)، عیسی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۱) و... نشان می‌دهند در ایران نیز همانند بسیاری از نقاط دنیا، عوامل اقتصادی در کنار سایر عوامل اجتماعی و فرهنگی در شکل‌گیری جرم مؤثر است. اکثر قریب به اتفاق این مطالعات، حذف عوامل اقتصادی جرم را به عنوان یکی از مؤثرترین راه‌های کاهش جرم و جنایت پیشنهاد می‌کنند.

با توجه به نقش مخرب جرائم و انحراف‌ها (بزهکاری‌ها) برای افراد در اضمحلال شخصیت انسانی و نابسامانی اجتماعی امروزه و تاثیر مستقیم آن در آینده، به میزان تحصیلات در ایران به عنوان عامل نظارت درونی پرداخته می‌شود. از مهم ترین مشکلات در این خصوص؛ موانع مربوط به اشتغال و آموزش، محدودیت‌های ارتباطی، عدم حمایت‌های قانونی و بزهکاری می‌باشد که از پدیده‌های رایج در جامعه است و به صورت فیزیکی، کلامی و سایر اشکال انجام می‌گیرد. ضروری ترین کارهای مقابله بازمینه‌های گرایش به بزهکاری در جامعه در بعد اجتماعی، راهکارهایی هستند که هدف آن‌ها کاهش سطح محرومیت‌های ساختاری می‌باشد که این راهکارها به طور عمده در دو شاخه‌ی سیاسی و اقتصادی جای می‌گیرند.

جرم به عنوان یک پدیده اجتماعی مطرح و یکی از عوامل اثرگذار بر وقوع جرم تحصیلات افراد است. هدف از این تحقیق بررسی رابطه سطح تحصیلات متهمین با نرخ وقوع جرم استان چهارمحال و بختیاری می‌باشد. پژوهش بر اساس هدف از نوع کاربردی و بر اساس ماهیت و طرح تحقیق به شیوه توصیفی انجام گردید. جمع‌آوری اطلاعات به روش اسنادی با استفاده از اطلاعات سیستم رخدادهای انتظامی انجام گردید. چهار جرم سرقت، نزاع و درگیری، مواد مخدر و کلاهبرداری در جامعه آماری متهمین طی سال ۱۳۹۹ به تعداد ۲۴۳۴۱ در مقاطع تحصیلی سیکل و کمتر، دیپلم، کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری مورد بررسی قرار گرفت و نمونه‌گیری به روش تمام سرشماری انجام شد. یافته‌نشان داد از مجموع ۲۴۳۴۱ فقره جرایم سال ۱۳۹۹ در چهار جرم ذکر شده، ۳۴/۵ درصد در گروه تحصیلات سیکل و کمتر، ۳۲ درصد در سطح تحصیلات دیپلم، ۱۷/۷ درصد در سطح تحصیلات کاردانی، ۱۳/۶ درصد کارشناسی، ۲/۱ درصد کارشناسی ارشد و ۰/۱ درصد با تحصیلات دکتری انجام شده است. در جرم سرقت بیشترین ارتکاب با ۳۸/۱ درصد در گروه سیکل و کمتر و در نزاع و درگیری ۲۸.۵ درصد جرایم توسط افرادی که تحصیلات سیکل و کمتر و ۳۲/۵ درصد در سطح تحصیلات دیپلم انجام شده است. در جرایم مواد مخدر نیز ۴۱ درصد از جرایم در گروه افراد با تحصیلات سیکل و کمتر بوده است. تنها در جرایم کلاهبرداری بیشترین



فراوانی با ۲۹.۳ درصد در سطح تحصیلات کاردانی بوده است. نتایج بیانگر این است با افزایش تحصیلات میزان جرایم ارتکابی کاهش می‌یابد (میرزاخانی و رحمتی، ۱۴۰۱).

نتایج این تحقیقات مشخص می‌کند که وقتی ما جامعه آماری محدودی را بررسی می‌کنیم، اغلب متهمانی که در دادگاه هابه اتهام جرائم مختلف بالاخص جرائم مربوط به خشونت محاکمه می‌شوند از دهک های پایین جامعه و کم سواد هستند . چنانچه بتوانیم با جلب اعتماد و پاسخ های صادقانه به بررسی این موضوع در بین اقشارمختلف بپردازیم می توانیم به نتیجه مطلوبی دست یابیم اما اجرای موفقیت آمیز این قوانین، نیازمندفرهنگ سازی مناسب در جامعه می باشد.

#### ۴\_ یافته‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل داده‌های آماری در خصوص تأثیر میزان تحصیلات بر جرائم و بزهکاری خلاصه‌ای از یافته‌های پژوهش به تفکیک مهم‌ترین فرضیات تحقیق که از چارچوب نظری و پیشینه تحقیق استخراج شده است، ارائه می‌گردد. تفاوت در جرائم میان دو جنس کاملاً مشهود است شروع جرائم در خانم‌ها به صورت کلامی و در آقایان بیش‌تر به صورت بدنی است و معمولاً آقایان بیش‌تر درصدد تلافی برمی‌آیند و این تفاوت در شروع به جرائم پسران و دخترها در همه فرهنگ‌ها و طبقات اجتماعی دیده می‌شود. در نتیجه تأثیر جنسیت در ایجاد جرم و بزهکاری بسیار مهم و ارزشمند می‌باشد که از این میزان مردان تأثیر بیشتری را در جامعه آماری موردنظر تشکیل داده است. ادامه تحصیل باعث کم شدن میزان رجوع به کارهای مجرمانه می‌شود. مزایای اجتماعی و بیرونی آموزش و ادامه تحصیل بیشتر از مزایای فردی آن موردتوجه می‌باشد هنگامی که فردی تصمیم به ادامه تحصیل می‌گیرد در مقایسه با فردی که ترک تحصیل می‌کند و به کارهای خلاف اقدام می‌کند برای جامعه هزینه اضافی تحمیل نمی‌کند؛ بنابراین سیاست‌گذاران باید به گسترش و ارتقاء تحصیل و آموزش بپردازند تا از این طریق با کاهش میزان جرم به افزایش مزایای اجتماعی کمک کنند و همچنین نکته مهم این است که باید بهره‌وری افراد آموزش‌دیده را نیز افزایش داد. تبعیض، رفتاری ناخودآگاهانه است که همیشه آثار مخربی دارد و باعث می‌شود کسی که مورد سرزنش قرار می‌گیرد دچار بی‌اعتمادی و کمبود محبت شده و در زندگی به‌خوبی پیشرفت نکند از دیگر دلایل آن وجود تعصبات و باورهای غلط در است که متأسفانه بر اساس آن برخی خانواده‌ها به فرزند پسر بیشتر از فرزند دختر اهمیت می‌دهند شکل ظاهری افراد نیز یکی از عوامل بروز این رفتار است ادعای برخی والدین در این خصوص که هیچ تفاوتی بین بچه‌ها نیست و همه مثل هم بوده، اغلب تظاهر است و متأسفانه تبعیض بین خانواده‌ها بسیار دیده می‌شود. مخصوصاً توجه ناعادلانه به فردی که از لحاظ ظاهری زیباتر و سالم‌تر است حس حسادت و کینه را در دل کودکی که این ویژگی‌ها در او کم‌تر است برمی‌انگیزد و باعث می‌شود در آینده فردی اجتماعی نباشند، برعکس افرادی که خیلی به آن‌ها توجه شده دچار اعتمادبه‌نفس کاذب می‌شوند و همین عامل باعث می‌شود رفتارهایی را مرتکب شوند که از دید اطرافیان خوشایند نبوده و در نهایت در اجتماع از احترام زیادی برخوردار نباشند. (Lochner, L. & Moretti, ۲۰۰۷).

اما نمی‌توانید انکار کنید که زمان‌هایی بوده است که از طرف یکی یا هر دو والدین طردشده‌اید، حال به هر دلیل ممکن. وقوع جرم، به‌عنوان یک پدیده نامطلوب، اجتماعی علل، روانی اقتصادی و اجتماعی متعددی دارد عامل اقتصادی، عامل مهمی منطقه برای تمام ساختارهای اجتماعی بوده و تأثیرات قابل‌توجهی بر روی وقوع جرم دارد انجام فعالیت‌های مجرمانه در هر کیفیت زندگی در آن منطقه را کاهش و ریسک را در انجام فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی افزایش می‌دهد که به‌این ترتیب، سطح رفاه کاهش و هزینه‌های زندگی افزایش می‌یابد.

والدین با ایجاد امنیت روانی در خانواده نظارت بر رفتار و دوستان وضعیت تحصیلی فرزندان و تربیت صحیح آن‌ها، تعلیم دستورات دینی به‌روز کردن دانش و آگاهی خود بر حذر بودن از هرگونه تعصبات جاهلی و افراط و تفریط در توجه به اعضای

خانواده و غیره می‌توانند خانواده را به منزل مقصود برسانند بنابراین انسان می‌تواند با انجام تعالیم دینی به نتیجه‌ای مطلوب در امر پیشگیری از انحرافات اجتماعی دست یابد.

فکر خطا، تولید جرمی. کند پس بایستی در زندان با استفاده از برنامه‌های فرهنگی فکر مددجویان را در مسیر زندگی سالم سوق داد برنامه‌های، فرهنگی آموزشی و استفاده از مربیان مجرب در زندان باعث شده است سطح دانش و آگاهی مددجویان افزایش یابد و مددجویان به فکر زندگی بهتر باشند اگر مددجویان دارای شغل شوند بسیاری از جرائم و همچنین بازگشت مجدد مددجویان به زندان کاهش خواهد یافت. آموزش در زندان باید از بدو ورود مددجویان شروع شود و در رشته‌های فرهنگی مذهبی اشتغال و مهارت‌های اساسی زندگی تقسیم شوند. با توجه به اینکه خیلی از مددجویان در بدو ورود بی‌سواد و یا کم‌سواد هستند و این امر باعث انجام جرم شده است در زندان سعی شده است با آموزش مدعوین در رشته‌های مختلف آنان را برای زندگی بهتر و جدید آماده کنند. (Witte, A. D. and Tauchen, ۱۹۹۴).

ارزیابی و تشخیص خطا از شرایط زندگی اجتماعی انسان‌ها سرچشمه می‌گیرد بدین معنی هرگاه فردی از افراد جامعه نتواند اعمال و رفتار خود را با شرایط زندگی و مقررات و نظامانی که در فرهنگ همگانی پذیرفته شده است انطباق دهد و در نتیجه اقدام او احتمال خطر و آسیبی برای جان یا مال دیگر و یا اخلاق در امری از امور اجتماعی را فراهم نماید، چنین شخصی که با قصور و کوتاهی و یا بی‌توجهی خود عملاً عدم سازش رفتار خود را با مقررات و نظامات اجتماعی نشان داده است، از نظر جامعه بر فردی مقصر و خطاکار شناخته می‌شود و بر پایه این مسئولیت اجتماعی، حاکم موردبررسی و ارزیابی قرار گیرد تا هرگاه مقامات قضایی و دادگاه‌ها مشخص شود که رفتار او مخالف نظم اجتماعی و موجب آسیب و صدمه جانی و مالی دیگری و یا باعث اختلال در نظم و امنیت و آسایش عمومی شده است. (Witte, A. D. and Tauchen, ۱۹۹۴).

توجه به طرح آمایش سرزمین برای رفع معضل مربوط به رضایت یا عدم رضایت از ساختار محله و خانواده بسیار مثرم ثمر است که در آن طرح نیز بر توزیع متوازن امکانات تأکید شده است.

توجه به طرح آمایش سرزمین برای رفع معضل مربوط به رضایت یا عدم رضایت از ساختار محله و خانواده بسیار مثرم ثمر است که در آن طرح نیز بر توزیع متوازن امکانات تأکید شده است با اجرای این طرح‌ها باید جذابیت‌های زندگی را به داخل شهرهای کوچک و روستاها برد و مانع جابه‌جایی جمعیت در حجم بالا به شهرهای بزرگ شد. (Leonida, ۲۰۰۹, Buonanno, P).

پدیده حاشیه‌نشینی در صورت عدم توجه مسئولان گسترش پیدا خواهد کرد راهکار عملی محدود کردن این معضل کاهش زمینه‌های مهاجرت افراد از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ است به طوری که اگر زمینه‌های اشتغال، خدمات رفاهی، بهداشتی و آموزشی در شهرهای کوچک فراهم شود و خانواده‌ها از سطح متوسط زندگی برخوردار شوند، آمار مهاجرت و به تبع آن جمعیت حاشیه‌نشین کشور نیز کاهش می‌یابد علاوه بر این کنترل و نظارت پلیس بر این مناطق نیز باید افزایش یابد و آموزش حقوق شهروندی و فرهنگ‌سازی نیز باید در دستور کار قرار گیرد.

## ۵\_ بحث و نتیجه‌گیری

هدف از بررسی میزان تحصیلات بر جرائم و بزهکاری اولاً به وجود آمدن نظم و امنیت و تعیین حدود مرز و اختیارات و وظایف افراد در روابط فردی و اجتماعی است. ثانیاً تقویت و روحیه همکاری و احساس مسئولیت نسبت به خود و دیگران است، به طوری که این امر موجب بقای، جامعه عدالت و عدم گرایش انسان‌ها به بی‌نظمی هنجارشکنی و ... می‌گردد. آسیب‌های اجتماعی به‌عنوان یک معضل اجتماعی سلامت جامعه را تهدید می‌کند پذیرش و به کار بستن آموزش‌های لازم به‌خصوص در دوران کودکی و همچنین در سطح مدارس از سوی عموم مردم مدیران سیاست‌مداران و در سطح خردتر آن خانواده‌ها موجب ایجاد نظم در سطوح و عناصر مختلف اجتماع می‌شود.



با توجه به این که دین‌داری و نقش آموزه‌های شیعی با نظام‌های، شخصیتی، فرهنگی اجتماعی و سیاسی جامعه مربوط شود، می‌تواند کارکردهای متعددی داشته باشد با این توصیف می‌توان گفت که اهمیت و نقش آموزش در حیطه فردی فراتر رفته و ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی انسان‌ها را در برمی‌گیرد.

همان‌طوری که در مدل‌های نظریه‌پردازان تحقیق حاضر و مدل پیشنهادی عنوان شد میزان آموزش‌ها و دین‌داری به‌عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شد این متغیر متغیرهای دیگر، مدرسه خانواده دولت و ... که متغیر رابط نامیده می‌شود را در تقویت پیشگیری از بزهکاری تحت تأثیر قرار می‌دهد و به‌عنوان چندین متغیر مستقل آموزش در مدرسه، خانواده و ... متغیر وابسته پیشگیری از بزهکاری را به‌شدت بیشتری متأثر ساخته است. تغییرات متغیر وابسته آسیب‌های اجتماعی را تبیین و پیش‌بینی می‌کند. در این میان آموزش‌های لازم به‌صورت مستقیم بیشترین تأثیر را بر آسیب‌های اجتماعی داشته و به‌صورت غیرمستقیم به متغیرهای، جنس، معدل، مناسک جمعی، اخلاقیات و ... تأثیر گذاشته و برای پیشگیری از آسیب‌ها و بزهکاری‌ها تأثیرات مضاعفی را اعمال می‌کنند. هدف اساسی این پژوهش بررسی میزان تحصیلات بر جرائم و بزهکاری که فرضیه اصلی می‌باشد همان‌طوری که مشاهده شد، یافته‌های تحقیق رابطه میان دو متغیر را تأیید می‌کند نوع رابطه منفی بوده و بیانگر این است که با افزایش میزان همبستگی، آموزش شاهد کاهش میزان گرایش به بزهکاری وجود است. نتایج حاصل از بررسی توزیع ابعاد میزان تحصیلات بر بزهکاری حاکی از آن است که در نمونه‌ی مردان بررسی‌شده، بیشترین تجربه در حوزه‌ی خشونت روانی و عاطفی و کمترین موارد در حوزه‌ی خشونت فیزیکی است. همچنین نتایج حاکی از آن است که نوع و میزان ارتکاب جرائم در همه‌ی مناطق مسکونی مجرمان یکسان نیست. تنوع شرایط و امکانات، زندگی قومیت مؤلفه‌های فرهنگی و اقتصادی - اجتماعی سبب شده است تا ارزش‌ها مادی و معنوی، هنجارها و باور داشت‌های ساکنان مناطق مختلف شهر یکسان نباشد.

درمجموع می‌توان گفت مردانی که بزهکاری بیشتری داشتند از مهارت‌های زندگی کم‌تری نسبت به زنان برخوردار بودند و این مسئله باعث خشونت بیش‌تر در جامعه می‌شود البته آمار جهانی نیز مؤید این مسئله است که زنان بیش‌تر از مردان در معرض آسیب ناشی از هنجارهای اجتماعی هستند.

و در آخر این که میزان تحصیلات بر بزهکاری با طرح مسئله‌ی خشونت ابعاد تازه‌تری پیدا می‌کند. هرچند نمی‌توان منکر جرائم شد اما به نظر مارید امروزه نمی‌توان ابعاد دیگر جرائم از جمله جرائم مربوط به سطح سواد را نادیده گرفت. درعین حال این بدان معنا نخواهد بود که عدم سواد کافی در حوزه‌های مختلف به معنی خشونت‌ورزی آنان خواهد بود؛ چراکه افراد دارای منزلت اجتماعی و تحصیلی بالاتر خشونت کم‌تری نسبت به بقیه افراد دارند و یا حتی خود نیز کم‌تر آسیب می‌بینند. با توجه به نتایج این تحقیق به نظر مارید که با میزان تحصیلات در سطح جامعه هرچند فقدان نظم اجتماعی در سطح خرد که در گذشته تحمل می‌شد، اما امروزه می‌تواند خود موجب بزهکاری باشد چراکه جایگاه تحصیلات در عرصه‌ی علم و اقتصاد روبه‌پیشرفت است اما این فرایند اگر با رشد آنان در عرصه‌ی اخلاق و مهارت‌های ارتباطی شامل تعهد اخلاقی، احترام به حقوق دیگران توانایی مجاب ساختن و مجاب کردن مدارای اجتماعی و درمجموع هوش ارتباطی و عاطفی همراه باشد در این صورت توانمند شدن آنان الزاماً به بروز رفتارهای مجرمانه منتهی نخواهد شد.

## ۶\_ منابع

- آقاجانی، مریم بررسی تأثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر سلامت روان و منبع کنترل نوجوانان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۱.
- شارع پور، محمود جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران انتشارات سمت، ۱۳۹۰
- محبی، فاطمه آسیب‌شناسی اجتماعی، زنان کتاب زنان، زمستان، ۱۳۸۰.
- مرتضوی، نسرين جایگاه بزه دیده در قلمرو سیاست جنایی، ایران پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، مجتمع آموزشی عالی قم، ۱۳۷۵.
- نیک‌اختر علی بررسی عوامل اقتصادی اجتماعی مؤثر بر خلافکاری به‌عنوان رفتار بزهکارانه در بین دانش‌آموزان دبیرستان‌های شیراز پایان‌نامه کارشناسی ارشد ۱۳۸۹
- رایبسون، ج. (۱۹۰۳)، فلسفه اقتصادی، ترجمه: بایزید مردوخی، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- ستوده، ه.؛ میرزایی، ب.؛ و یازند، ا. (۱۳۷۶)، روان‌شناسی جنایی، تهران: انتشارات آوای نور
- ستوده، ه. (۱۳۸۲). آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آوای نور.
- سریرافراز، م.؛ سادات مکیان، س.؛ و فهیمی فر، ف. (۱۳۸۸). «پیشگیری از وقوع جرم و جنایت: بسترساز جامعه ایمن»، برگزیده مجموع مقالات دومین همایش جامعه ایمن شهر تهران، صص ۶۲۵-۲۴۵.
- شفیع آبادی، ن. (۱۳۹۲). سرمایه‌گذاری داخلی، بیکاری و جرم (مطالعه موردی: استان قزوین ۱۳۹۰-۱۳۸۵)، منبع: سایت میعاد.
- صادقی، ح.؛ شقاقی شهری، و.؛ و اصغری‌پور، ح. (۱۳۸۲). «تحلیل عوامل اقتصادی اثرگذار بر جرم در ایران»، مجله تحقیقات اقتصادی، ش ۶۸، صص ۶۸-۹۰.
- طریقی، ش. (۱۳۵۵). روان‌شناسی و روان‌پزشکی کیفری، تهران: انتشارات دهخدا.
- طباطبایی، ح. (۱۳۹۱). رابطه جرایم مالی و تورم، تهران: امروز، کد خبر ۱۲۶۸۲۵.
- عیسی‌زاده، س.؛ مهرانفر، ج.؛ و مهرانفر، م. (۱۳۹۱). «بررسی ارتباط میان جرم و شاخص‌های کلیدی اقتصاد کلان در ایران»، فصلنامه راهبرد یاس، ش ۲۹، صص ۴۱.
- فطرس، م.؛ دلانی میلان، ع.؛ و قربان‌سرشت، م. (1390). «اثرات فقر، بیکاری و شهرنشینی بر جرایم علیه اموال در استان‌های ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، ش ۴۶، صص ۲۷۹-۲۹۷.
- فری، آ. (۱۳۷۷). جامعه‌شناسی کیفری، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- قاسمی‌روشن، ا. (۱۳۸۹). «عوامل اجتماعی جرم»، نشریه معرفت، ش ۳۶، صص ۶۹-۷۶.
- قرایی‌مقدم، ا. (۱۳۹۱). «افزایش خشونت در جامعه بر اثر تورم و بیکاری»، جامعه‌خبری تحلیلی الف، کد خبر ۱۷۸۴۰۰.
- کوتر، ر.؛ و یولن، ت. (۱۳۸۸). حقوق و اقتصاد، ترجمه: یداله دادگر و حامده اخوان هزاوه، تهران: علم نور.
- کی‌نیا، م. (۱۳۷۰). مبانی جرم‌شناسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کینز، م. (۱۹۳۶). نظریه عمومی اشتغال، بهره و پول، ترجمه: منوچهر فرهنگ، تهران: نشر نی.
- گسن، ر. (۱۹۸۸). مقدمه‌هایی بر جرم‌شناسی، ترجمه: مهدی کی‌نیا، تهران: انتشارات مترجم.
- مهرگان، ن.؛ و گرشاسبی فخر، س. (۱۳۹۰). «نابرابری درآمدی و جرم در ایران»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال یازدهم، ش ۴، صص ۱۰۹-۱۲۵.
- مروج خراسانی، م. (۱۳۸۵). «تورم و رابطه آن با فقر در ایران»، روزنامه دنیای اقتصاد، ش ۱۱۹۳.

- محسنی، م. (۱۳۵۴). کلیات حقوق جزا، تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.
- نجفی ابرند آبادی، ع. (۱۳۷۰). «بزهکاری و شرایط اقتصادی»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۹، ص ۲۲۳-۲۲۴.
- نجفی توانا، ع. (۱۳۷۷). جرم‌شناسی، تهران: انتشارات خیام.
- نوفرستی، م. (۱۳۷۸). ریشه واحد و هم جمعی در اقتصادسنجی، تهران: خدمات فرهنگی رسا.
- ولیدی، م. (۱۳۷۲). حقوق جزای عمومی، تهران: مرکز نشر داد.
- واریان، ه. (۱۹۹۹). رویکردی جدید به اقتصاد خرد میانه، ترجمه: سید جواد پورمقیم، تهران: نشر نی.
- Akçomak, S. & Weel, B. (2012) "The Impact of Social Capital on Crime: Evidence from the Netherlands", *Journal of Regional Science and Urban Economics*, No. 42, P. 323-340.
- Anselin, I. (2000) "Spatial Analyses of Crime." *In Criminal Justice*, vol. 4, p. 213-262 .
- Becker, G.S. (1968) "Crime and Punishment: an Economic Approach", *Journal of Political Economy*, No. 76 (2), p. 169-217.
- Bonger, W. (1916) *Criminality and economic conditions*, Boston: Little, Borwn.
- Bonn, Robert. L. (1984) *Criminology*, U.S.A; Ms Graw\_Hill.
- Bartol, Curt, R. (1995) *Criminal behavior*, USA.
- Chapman, J. I. (1976) "An Economic Model of Crime and Police: Some Empirical Results". *Journal of Research in Crime and Delinquency*, No. 13, p. 48- 63.
- Cantor, D. Land, K. (1985) "Unemployment and Crime Rates in the Post World War II United States: a Theoretical and Empirical Analysis". *American Sociological Review*, No. 50, p. 317-332.
- Chadwick, E. (1829) *Preventive police*, London Review.
- Ehrlich. (1973) "Participation in Illegal Activities: A Theoretical and Empirical Investigation", *Journal of Political Economy*, No. 31 (3), p. 521-569.
- Fleisher, B. (1963) "The Effect of Unemployment on Juvenile Delinquency", *Journal of Political Economy*, No. 71 (6), p. 543-555.
- Fleisher, B. (1966) "The Effect of Income on Delinquency", *American Economic Review*, No. 56, p. 118-137.
- Brenner, H.M. (1976) "Estimating the Social Costs on Estimating the Social Costs of National - Economic Policy: A Critical Examination". *Journal of Political Economy*, vol. 84, No. 6, P. 25-29.
- Han, Lu. (2009) "*Economic Analyses of Crime in England and Wales*", A Thesis Submitted to the University of Birmingham for the Degree of Doctor of Philosophy.
- Jacobs, D. (1981) "Inequality and Economic Crime", *Sociology and Social Research*, No. 6, P. 12-28.
- Phillips, J. Land, K.C. (2012) "The Link between Unemployment and Crime rate Fluctuations: an Analysis at the County, State, and National Levels". *Social Science Research*, No. 41, p. 681- 69.
- Kelly, M. (2000) "Inequality and Crime". *The Review of Economics and Statistics*, Vol. 82(4), p. 530-539.
- Keshavarz haddad, Gh. Markazi Moghadam, H. (2010) "*The socioeconomic and demographic determinants of crime in iran (a regional panel study)*", Eurj law Econ, springer sciencet Business media, LLC, published on line : 30 April.
- Meloni, O. (2000) "Determinants of the Crime Rate in Argentina During the 90s". *Journal of Crime and Justice*, No.27(2), P. 297-311.
- Felson, M. Clarke, R.V. (1998) "*Opportunity makes the thief*" police research series, paper 98. Policing and reducing crime unit, London, home office.
- Osvaldo, M. (2000) "Determinants of the Crime Rate in Argentina During the 1990s". *Estudios de Economia*, Vol. 27(2), p. 297-311.
- Qadri, F. S. and Kadri, A. S. (2010) *Relationship between education, health and crime: fable, fallacy or fact*. Published in: Pakistan Business Review .
- Ralph, A. (1996) "Socioeconomic Conditions and Property Crime: A Comprehensive Review and Test of the Professional Literature". *American Journal of Economics and Sociology*, No. 55 (3), P. 293-308.
- Syed yasir mahmood gillani hafeez ur rehman and abid rasheed gill. (2009) "Unemployment, Poverty, Inflation and Crime Nexus: Cointegration and Causality Analysis of Pakistan", *Pakistan Economic and Social Review*, Vol. 47, No. 1, p. 79 - 98.
- Sjoquist, D. (1973) "Property Crime and Economic Behavior: Some Empirical Results", *American Economic Review*, No. 53, p. 439-446.
- Raphael, S. and Ebmer, R.W. (2001) "Identifying the Effect of Unemployment on Crime", *Journal of Law and Economics*, Vol. 44, No. 1, p. 259-283.

- Smith, A. (1776) "*The Wealth of Nations*", Reprint, Newyourk: Random House.
- Sanchez, F. (2002) "*Conflict, Violent Criminal Activity in Colombia*", Yale University Press.
- Teles, Vladimir K. (2004) "The Effects of Macroeconomic Policies on Crime". *Economics Bulletin*, Vol. 11(1), p. 1-9.
- Tushima, M. (2000) "Economic Sstructure and Crime: The Case of Japan", *Journal of Socio-Economic*, Vol. 25, No. 4, p. 497-515.
- Tang, Ch.F. & Lean, H. H. (2009) "New Evidence from the Misery Index in the Crime Function," *Economics Letters, Elsevier*, vol. 102(2), p. 112-115.
- Witte, et al. (1998) "Crime, Earnings inequality and unemployment in England & Wales", *Applied Economics Letters*, No. 1, p. 265 -267 .
- Wong, Y. & Chim, R. (1995) "An Economic Analysis of the Crime Rate in England and Wales (1857-1892)". *Economic*, Vol. 62, No. 246, p. 235-247.
- Zhang, J. (1997) "The Effect of Welfare Programs on Criminal: A Theoritcal and Empirical Analysis" *Economic Inquiry*, Vol. xxxv, p. 120-137.
- Buonanno, P. Leonida, L (2009). Non-market effects of education on crime: Evidence from Italian regions. *Economics of Education Review* 28 (2009) 11-17. Journal.
- Lochner, L. & Moretti, E. (2007), The Effect of Education on Crime: Evidence from Prison Inmates, Arrests, and Self-Reports.
- Witte, A. D. and Tauchen, H. (1994), Work and Crime: An Exploration Using Panel Data. NBER Working, Paper 4794.
- Investigating the effect of education on crime and delinquency in Kerman prisons Mina Mirzaie
- Department of Criminal Law and Criminology, Rafsanjan Branch, Islamic Azad University, Rafsanjan, Iran

## **Investigating the level of education in reducing the number of prisoners in Yasouj city**

### **Abstract**

According to past researches, increasing the age and education level of prisoners had an inverse relationship with committing crimes, especially theft, which is the most frequent crime, and a direct relationship was observed only in the case of fraud. The amount of crime and its re-offending had an inverse relationship with the level of education and income and a direct relationship with urbanization and settlement. Assaults and traffic accidents have an inverse relationship with urbanization, and fraud and drug trafficking, as well as their history of repetition, have a direct relationship with urbanization. In this research, the level of education has been investigated in reducing the number of prisoners in Yasouj city. The main purpose of this research is to investigate how these two variables are connected and to study the effect of education level in reducing social harms, which is the main hypothesis. This research is of a social type and the results of this research show that when we examine a limited statistical population, most of the defendants who are tried in courts for various crimes, especially crimes related to violence, are from the lower deciles of the society and are poorly educated. If we can investigate this issue among different strata by gaining trust and honest answers, we can achieve a favorable result, but the successful implementation of these laws requires proper culture in the society.

**Keywords:** level of education, social damage, prisoners, Yasouj